



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه دین

عنوان:

بررسی انتقادی دیدگاه‌های متفکرین غربی قرن بیستم پیرامون سرمدیت خداوند

استاد راهنما:

دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

دکتر یار علی کرد فیروزجائی

نگارش:

محمدعلی لطفی مهر وئی

زمستان 1392

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده: فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه دین

عنوان:

بررسی انتقادی دیدگاه‌های متفکرین غربی قرن بیستم پیرامون سرمدیت خداوند

استاد راهنما:

دکتر سید محمود موسوی

استاد مشاور:

دکتر یار علی کرد فیروزجائی

نگارش:

محمدعلی لطفی مهر وئی

زمستان 1392

پیشکش

مادر مہربان و پدر رؤفم

کہ زوال زندگی ام، بقای حیات ایشان باشد.

سپاس گزارِ

واجب سرمدی

و

زحمات ایشانی که بی واسطه یا باواسطه

نگارنده را در نگارش این نگاشته یاری نمودند.

و قدردانِ

راهنمایی‌های استاد دکتر موسوی

و مشاوره‌های استاد دکتر فیروزجائی

چکیده:

یکی از مباحث مهم فلسفه دین معاصر غربی، سرمدیت خداوند و چگونگی ارتباط او با جهان زمان مند می باشد. تا پیش از قرن اخیر، عمده گرایش اندیشمندان خدا باور توحیدی به بی زمانی خداوند بود، اما امروزه زمان مندی خداوند به خاطر هم خوانی با کتاب مقدس پیروان بیشتری دارد. البته در مقابل نقدهای این گروه بر بی زمانی، برخی متفکرین تقریرهای جدید از دیدگاه سنتی مانند سرمدیت استمرار، شبه زمان مند و نگرش غیر استمراری به آن را مطرح کرده اند. دسته ای نیز نگاهی جامع گونه به این مسئله دارند و با تفسیر خاص خویش خداوند را هم بی زمان و هم زمان مند قلمداد می کنند. در هر حال، نقطه مشترک همه این گرایش ها، مبنا بودن ماهیت ایستایی-پویایی زمان برای آن ها است که در بیان نگرش ها از ویژگی های این دو جنبه زمان استفاده کرده اند. البته نباید از نقش فیزیک نوین در این نظریات غافل بود. مهم ترین ادله پیروان فرا زمانی، کمال وجودی خداوند، مخلوق بودن زمان و رفع شدن چالش علم پیشین الهی و اختیار انسان می باشد. علم خداوند به زمان حال و فاعلیت او در جهان نیز، دلایل گرایش به زمان مندی هستند و مورد تأیید نظریه های جامع هم می باشند. البته جامع گراها تفسیر و یا نحوه ای خاص از بی زمانی را نیز به خداوند نسبت می دهند. اگر بر اساس فلسفه اسلامی به مسئله بنگریم، خداوند، بی زمان و سرمدیت وصفی عدمی است که از مقایسه او با جهان زمان مند انتزاع می شود. در فلسفه اسلامی، جهان مادی - و زمان به عنوان بخشی از آن -، قدیم است. وجود زمان با حرکت و تغییر گره خورده که البته در این تغییر، ثبات دارد. ولی ذات خداوند ثابت است و در هر گونه تفسیر و تعبیر از ذات او باید تغییر ناپذیری او را ملاحظه کرد. یکی از این ملاحظات تفکیک میان ذات و فعل و صفات مربوط به آن ها است. هر گونه تغییر و تحولی، منسوب به مقام فعل او می شود، در عین اینکه ذات او سرمدی باقی می ماند.

کلمات کلیدی: خدا، صفات خدا، زمان، سرمدیت، بی زمانی، زمان مندی.

فهرست

1.....	فصل اول: کلیات و مفاهیم
2.....	1-1- کلیات
2.....	1-1-1- بیان مسئله
2.....	1-1-2- اهمیت و فایده تحقیق
3.....	1-1-3- سابقه تحقیق
4.....	1-1-4- اهداف تحقیق
4.....	1-1-5- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق
4.....	1-1-5-1- سؤال اصلی
4.....	1-1-5-2- سؤالات فرعی
4.....	1-1-6- تاریخچه بحث
4.....	1-1-6-1- دوران باستان
6.....	1-1-6-2- قرون وسطی
7.....	1-1-6-3- دوران جدید
9.....	1-2- مفاهیم
9.....	1-2-1- خدا
9.....	1-2-1-1- خداشناسی طبیعی
9.....	1-2-1-2- خداشناسی توحیدی
10.....	1-2-1-2-1- خداشناسی سنتی
11.....	1-2-1-2-2- خداشناسی شخص گرا
12.....	1-2-1-2-3- خدای الهیات پوشی
12.....	1-2-1-3- همه خداگرایی
14.....	1-2-2- زمان
14.....	1-2-2-1- دشواری تعریف زمان
15.....	1-2-2-2- مک تاگارت و ماهیت زمان
17.....	1-2-2-2-1- مجموعه A
18.....	1-2-2-2-2- مجموعه B
19.....	1-2-3- سرمدیت

19.....	1-2-3-1-1 سرمدیت خداوند
Error! Bookmark not defined.	فصل دوم: سرمدیت به عنوان فرازمان بودن خداوند
Error! Bookmark not defined.	2-1-2-1 مقدمه
Error! Bookmark not defined.	2-2-2 دیدگاه‌های فرازمان گرایی
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1 فرازمانی استمراری
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-1 تعریف بوتیوس
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-2 رابطه جهان و سرمدیت
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-3 همبودی سرمدی-زمانی
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-3-1 نسبت هم‌زمانی
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-4 نقدهای وارد شده بر تعریف و پاسخ مدافعان
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-1-5 تقریر جدید همبودی سرمدی-زمانی
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2 فرازمانی شبه زمان‌مند
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-1 لغتو و تبیین عبارات بوتیوس
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-1-1 تسلائی فلسفه
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-1-2 رساله‌ای در باب تثلیث
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-2 سرمدیت شبه زمان‌مند
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-3 نظریه لغتو و چالش فیتزجرالد
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-2-4 مشخصه‌های نوعاً زمان‌مند
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-4-1 سرمدیت خداوند و مشخصه‌های نوعاً زمان‌مند
Error! Bookmark not defined.	2-2-2-3 فرازمانی غیراستمراری
Error! Bookmark not defined.	2-2-3-1 نقد فرازمانی استمراری
Error! Bookmark not defined.	2-2-3-1-1 دیدگاه استامپ و کرتزمن
Error! Bookmark not defined.	2-2-3-1-2 دیدگاه لغتو
Error! Bookmark not defined.	2-2-3-2 راجرز و نظریه ایستایی و پویایی زمان
Error! Bookmark not defined.	2-2-3-3 معنای اثباتی فرازمانی غیراستمراری
Error! Bookmark not defined.	2-3-2 ادله فرازمان بودن خداوند
Error! Bookmark not defined.	2-3-1-1 علم خداوند به آینده
Error! Bookmark not defined.	2-3-1-1-1 پیش‌گویی‌های وحیانی
Error! Bookmark not defined.	2-3-2-2 کامل مطلق بودن خداوند

- Error! Bookmark not defined. 2-3-3 خداوند و آفرینش جهان و زمان
- Error! Bookmark not defined. 2-4 جمع بندی
- Error! Bookmark not defined. فصل سوم: سرمدیت به عنوان جاودانگی زمانی خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-1 مقدمه
- Error! Bookmark not defined. 3-2 کمال خداوند؛ فرازمانی یا زمان مندی؟
- Error! Bookmark not defined. 3-3 الهیات و حیاتی گشوده
- Error! Bookmark not defined. 3-3-1 شخص وارگی خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-1-1 عناصر شخصیت بخش
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2 تغییر پذیری خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2-1 ماهیت تغییر
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2-2 معنای تغییرناپذیری خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2-3 دلایل تغییر پذیری خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2-3-1 طبیعت فاعلیت خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-2-3-2 عالم مطلق بودن خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-3 انفعال پذیری خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-3-1 ماهیت عشق و محبت خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-3-3-2 تفاوت تغییر پذیری و انفعال پذیری
- Error! Bookmark not defined. 3-3-4 معنای علم مطلق خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-4 ادله جاودانگی زمانی خداوند
- Error! Bookmark not defined. 3-4-1 فاعلیت خداوند در جهان
- Error! Bookmark not defined. 3-4-1-1 گونه گونی افعال الهی
- Error! Bookmark not defined. 3-4-1-1-1 قسم اول
- Error! Bookmark not defined. 3-4-1-1-2 قسم دوم
- Error! Bookmark not defined. 3-4-2 علم خداوند به زمان حال
- Error! Bookmark not defined. 3-4-2-1 استدلال اول
- Error! Bookmark not defined. 3-4-2-2 استدلال دوم
- Error! Bookmark not defined. 3-5 جمع بندی
- Error! Bookmark not defined. فصل چهارم: سرمدیت به عنوان جامع میان فرا زمان بودن و جاودانگی زمانی خداوند .
not defined.

- 4-1-4- مقدمه Error! Bookmark not defined.
- 4-2- دیدگاه‌های جامع میان فرازمانی و جاودانگی زمانی خداوند ... Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1- تفکیک میان زمان فیزیکی و زمان متافیزیکی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-1- تفاوت دیدگاه پادجت و دویس Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-2- زمان فیزیکی و زمان متافیزیکی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-2-1- زمان فیزیکی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-2-2- زمان متافیزیکی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-3- نقد دو نظریه معهود Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-3-1- جاودانگی زمانی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-3-2- فرازمانی مطلق Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-3-2-1- ابتدای فرازمانی مطلق بر ایستا بودن زمان Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-3-2-2- غیرواقعی بودن نظریه ایستایی زمان Error! Bookmark not defined.
- 4-2-1-4- سرمدیت به عنوان فرازمانی نسبی Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2- بی‌زمانی بدون خلقت و جاودانگی زمانی خداوند با خلقت ... Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2-1- آموزه خلق از عدم Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2-2- تناهی گذشته Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2-2-1- چرا خداوند جهان را زودتر نیافرید؟ Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2-3- سنجش گذران حیات خداوند Error! Bookmark not defined.
- 4-2-2-4- ویژگی خاص نظریه کریگ Error! Bookmark not defined.
- 4-3- جمع‌بندی Error! Bookmark not defined.
- فصل پنجم: ارزیابی و نقد دیدگاه‌ها بر اساس حکمت اسلامی** Error! Bookmark not defined.
- 5-1- مقدمه Error! Bookmark not defined.
- 5-2- حقیقت زمان در فلسفه اسلامی Error! Bookmark not defined.
- 5-2-1- استدلال بر وجود زمان Error! Bookmark not defined.
- 5-2-2- زمان در حکمت متعالیه Error! Bookmark not defined.
- 5-2-3- مقایسه حقیقت زمان در فلسفه اسلامی و فلسفه معاصر غربی ... Error! Bookmark not defined.
- 5-3- معنای سرمدیت خداوند در تفکر اسلامی Error! Bookmark not defined.
- 5-3-1- سرمدیت؛ وصفی وجودی یا عدمی؟ Error! Bookmark not defined.
- 5-4- نقد و ارزیابی نظریات فیلسوفان قرن بیستم غربی Error! Bookmark not defined.

- Error! Bookmark not defined. 5-4-1- نقد دیدگاه‌های فرازمان‌گرایی و ادله آن
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1- ارزیابی دیدگاه‌های فرازمانی
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-1- فرازمانی استمراری
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-2- فرازمانی شبه زمان‌مند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-2-1- اشکال اول
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-2-2- اشکال دوم
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-2-3- اشکال سوم
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-1-3- فرازمانی غیراستمراری
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2- بررسی ادله فرازمان بودن خداوند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2-1- علم خداوند به آینده
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2-1-1- رویکرد اندیشمندان مسلمان در قبال این مسئله
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2-1-2- علت عدم استمداد فیلسوفان مسلمان از بی‌زمانی خداوند در حل شبهه
- Bookmark not defined.
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2-2- کامل مطلق بودن خداوند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-1-2-3- خداوند و آفرینش جهان و زمان
- Error! Bookmark not defined. 5-4-2- نقد دیدگاه جاودانگی زمانی خداوند و دلایل آن
- Error! Bookmark not defined. 5-4-2-1- نقد دیدگاه جاودانگی زمانی خداوند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-2-2- بررسی دلایل جاودانگی زمانی خداوند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-2-2-1- فاعلیت خداوند در جهان
- Error! Bookmark not defined. 5-4-2-2-2- علم خداوند به زمان حال
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3- نقد دیدگاه‌های جامع میان فرازمان بودن و جاودانگی زمانی خداوند
- defined.
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3-1- نقد نظریه پادجت
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3-1-1- بررسی دیدگاه پادجت درباره زمان
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3-2- نقد دیدگاه کریک
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3-2-1- بررسی دوگانه بودن سرمدیت خداوند
- Error! Bookmark not defined. 5-4-3-2-2- ارزیابی برهان جهان‌شناختی کلامی
- Error! Bookmark not defined. 5-5- جمع‌بندی
- Error! Bookmark not defined. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی
- Error! Bookmark not defined. فهرست منابع

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فصل اول: کلیات و مفاهیم

1-1- کلیات

1-1-1- بیان مسئله

معنای سرمدیت - Eternity - که گاهی از آن به ازلیت و ابدیت و یا ازلیت به تنهایی تعبیر می‌شود یکی از مباحث مهمی است که در بین فلاسفه دین‌مدار، همواره معرکه آراء بوده است. این موضوع به نوعی تداوم همان مسئله ربط حادث به قدیم در اندیشه اسلامی، البته با چالش‌ها، تعبیر و تفاسیر نوین است. سرمدیت از یک سو نسبت وثیقی با مسئله فلسفی چیستی زمان دارد و از سوی دیگر با سایر مباحث کلامی همچون صفات خدا و کیفیت ارتباط او با جهان و وقایع و موجودات زمان‌مند آن مرتبط است. مسئله چگونگی نسبت خداوند با زمان و زمانیات در قرن بیستم به یکی از مطالب کلیدی و مهم در حوزه فلسفه دین تبدیل شده است، چرا که با توجه به بازبینی‌هایی که در مسائل خداشناسی صورت گرفته و با توجه به پیشرفت علوم تجربی و تأثیر آن‌ها بر مسائل حوزه دین، فلاسفه و الهی‌دانان، سرمدیت و مباحث مربوط به آن را نیز به طور جدی به عرصه نقد و نظر خویش وارد نموده‌اند. به همین دلیل است که می‌بینیم در تبیین رابطه خدا و جهان از نگرش سنتی یعنی بی‌زمانی مطلق خداوند اعراض شده و عموماً خدا را زمان‌مند یا نزدیک به این اندیشه می‌دانند و مشاهده می‌کنیم که مباحث فیزیک نظری مانند تئوری نسبیت زمان و کیهان‌شناسی در تفاسیر آن‌ها نقش دارد. بنابراین مسئله مهمی که برای ما مطرح می‌شود این است که سرمدیت خداوند نزد فلاسفه قرن بیستم غربی چه معنایی پیدا کرده است؛ خداوند به چه معنایی فرازمان است؟ یا اگر او بی‌زمان نیست، به چه دلیل باید جاودانه در زمان باشد؟ آیا می‌توان بین هر دو جمع کرد؟ از سوی دیگر از نگاه فلسفه اسلامی میزان صحت و سقم چنین رویکردهایی در باب زمان و سرمدیت و مسائل مرتبط با آن‌ها تا چه اندازه بوده و اشکالات وارده بر آن چیست؟

1-1-2- اهمیت و فایده تحقیق

سؤال از رابطه‌ی خداوند با زمان همواره موضوعات بغرنج مابعدالطبیعی را در خود می‌پروراند. به همین دلیل است که با گذشت بیش از دو هزار سال از تفکر فلسفی بشر هنوز هم‌اورد جهت پاسخ‌گویی می‌طلبد. اهمیت موضوع سرمدیت خداوند از آنجا روشن می‌شود که بحث پیرامون این مسئله در گزارش‌ها و تفسیرهایی که از صفات دیگر خداوند همچون علم، حیات، تغییرناپذیری،

نحوه فاعلیت خداوند عرضه می شود، مؤثر است. اما به رغم اهمی که فیلسوفان غربی به این مبحث داشته اند، در میان اندیشمندان معاصر اسلامی کمتر مورد توجه جدی قرار گرفته است. حکمای گذشته نیز غالباً یا معنای این وصف حق تعالی را مغفول عنه گرفته اند یا اینکه بحث پیرامون آن را در حاشیه سایر مباحث مطرح کرده اند. به همین دلیل به طور جدی، محط بحث و نظریه پردازی آن ها قرار نگرفته است. از این رو هر کدام از دیدگاه هایی که درباره رابطه خداوند با زمان ارائه شده است، رسیدگی کامل و نقدی جدی را می طلبد.

3-1-1- سابقه تحقیق

- فاطمه ملاحسنی در تحقیقی با عنوان «ازلیت خدا؛ نقد نظریه ویلیام کریگ بر اساس فلسفه ملاصدرا» کوشیده است که پس از تبیین دیدگاه کریگ پیرامون ازلیت خداوند، به نقد این نظریه و مبانی و استدلال آن بر اساس فلسفه ملاصدرا بپردازد. وی در این تحقیق پس از طرح ایراداتی که به نظر کریگ از نگاه فیلسوفان قائل به زمان مندی خداوند، به نگرش بی زمانی وارد است، درصدد ارائه پاسخ های کامل و قابل قبولی به این اشکالات مطابق مبانی فلسفی ملاصدرا است.

پژوهش فوق با ارزیابی و نقد نظریه کریگ که یکی از دیدگاه های ارائه شده در باب سرمدیت خداوند است، ما را در تکمیل بخشی از تحقیق یعنی سرمدیت به عنوان جامع میان بی زمانی و جاودانگی زمانی خداوند یاری می کند.

- محمد سعیدی مهر در نوشتار «تفسیر فرازمانی از ازلیت خداوند» به توضیح و دفاع از وجود و حیات بی زمان خداوند پرداخته است. وی پس از توضیح معنای بی زمانی و زمان مندی و بیان برخی مزایای بی زمانی، آن تفسیری از حیات بی زمان خداوند را محور بحث خویش قرار می دهد که خداوند را در عین حالی که خارج از زمان است، دارای حیاتی مستمر نیز قلمداد می کند. ایشان بر اساس فلسفه غربی معاصر دلیل هایی را به نفع این دیدگاه ذکر می کند و به اختصار، مهم ترین انتقادات وارده را بررسی کرده و پاسخ می دهد.

آنچه این پژوهش گر در نوشتار خویش اختصاراً به بیان آن پرداخته است، ظاهراً مطابق با تفسیر استامپ و کرتزمن و تا حدودی دیدگاه لفتو از سرمدیت استمراری می باشد. البته براهینی که له این دیدگاه اقامه کرده اند قابل تعمیم به سایر تفاسیر از فرازمان بودن خداوند نیز می باشد؛ همان گونه که

نقدها و پاسخها نیز به خصوص نگرش فوق محدود نمی شود. ما نیز به همین مقدار از توضیحات وی بهره خواهیم گرفت.

4-1-1-1- اهداف تحقیق

- تبیین مهم ترین دیدگاه های ارائه شده از سوی فیلسوفان قرن بیستم مغرب زمین در باب معنا و مفهوم سرمدیت خداوند، بیان مبانی و ساختار نظریات و ذکر لوازم و ادله هر کدام از آنها.
- بررسی و نقد این دیدگاه ها از منظر حکمت و فلسفه اسلامی.

4-1-1-5- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق

1-1-5-1- سؤال اصلی

معنای سرمدیت خداوند از دیدگاه فیلسوفان غربی قرن بیستم چیست و بر اساس فلسفه اسلامی چگونه ارزیابی و نقد می شود؟

2-1-5-1- سؤالات فرعی

- مهم ترین تقریرهای ارائه شده پیرامون سرمدیت بی زمانی خداوند چیست و چه ادله ای در تأیید این دیدگاه ارائه شده است؟
- مبانی و ادله دیدگاه جاودانگی زمانی خداوند چیست؟
- تقریر قائلین به جمع میان بی زمانی و جاودانگی زمانی خداوند چگونه است؟

4-1-1-6- تاریخچه بحث

پیشینه بحث از سرمدیت و چگونگی رابطه خدا و زمان به قدمت اندیشه فلسفی بشر می باشد. ما در این بخش، به نحو بسیار مختصر تاریخچه ای از آن از زمان باستان تا قرن حاضر را از قلم می گذرانیم.

1-1-6-1- دوران باستان

مفهوم سرمدیت نزد فیلسوفان پیش سقراطی، یا محتوایی وجودشناسانه داشته است و یا کیهان شناختی. در مقوله وجودشناختی آن، مهم ترین دیدگاه به پارمنیدس و ایده رادیکال او در باب لازمیت وجود برمی گردد. وی پیرامون «وجود» چنین توضیح می دهد:

... و در این راه نشانه‌های بسیاری است که هستند نازاییده و تباهی ناپذیر است، زیرا کامل و جنبش ناپذیر و بی انجام است. نه در گذشته بود و نیز نخواهد بود، چون هم‌اکنون هست، یک پارچه کل، یکتا، و مستمر ...^۱

به این بیان پارمنیدس به عنوان پاسخی به اندیشه هراکلیتوس درباره جاودانگی جهان و به طور کلی نظریه‌های صیوررت فیلسوفان ایونی، نگریسته شده است. «جهان» هراکلیتوس در فرایند زایش و تباهی طی فعالیت آتشی پیوسته زنده، همیشه بود، هست و خواهد بود، در مقابل، «وجود» پارمنیدس هرگز نبوده و نخواهد بود، بلکه بی‌زمان و یک پارچه در وضعیت یکتای نامتغیر است که خبری از زایش و تباهی در آن نیست.^۲

شاید اولین نمود بی‌چون و چرا از این مفهوم را بتوان در رساله تیمائوس افلاطون جست‌وجو کرد.^۳ وی میان دو دیدگاه پارمنیدس و هراکلیتوس جمع کرده و مسیری میانه را انتخاب می‌کند. افلاطون در تیمائوس به تمایز میان مُثُل و جهان زمان‌مند طبیعت، که جهان حرکت و شدن است می‌پردازد. در نظر افلاطون زمان همراه با افلاک آفریده شده است لذا می‌توان آن را اندازه حرکت دانست، در حالی که مُثُل به علت ثبات و عدم تغییر مشمول گذران زمان نیستند.^۴

در جای‌جای فلسفه ارسطو نیز حرف از این مفهوم به میان آمده است. از دیدگاه ارسطو حرکت ازلی و ابدی است، زیرا آغاز شدن و ناپدید شدنش مستلزم حرکت است.^۵ اما حرکت نامتحرک نیست، بنابراین در زمان است و بالضروره نتیجه می‌شود که خود زمان نیز ازلی و ابدی است، به

^۱ شرف‌الدین خراسانی، نخستین فیلسوفان یونان، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹

^۲ Giannis Stamatellos, *Plotinus and the Presocratic: A Philosophical Study of Presocratic Influences in Plotinus' Enneads*, Albany/New York: State University of New York Press, 2007, p. 105.

^۳ افلاطون، دوره آثار افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، ۴ جلد، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۶، جلد سوم، صفحات ۱۷۳۲-۱۷۳۳.

^۴ محمد سعیدی‌مهر، تفسیر فرازمانی از ازلیت خداوند، جستارهای فلسفه دین، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۷۱.

^۵ فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی، ۹ جلد، چاپ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، جلد اول، ص ۳۵۹.

این معنی که هرگز آغاز نشده و هرگز پایان نخواهد یافت. تنها آنچه ازلی، ابدی و نامتحرک است در زمان نیست.^۱ ارسطو در جای دیگر بر ازلی بودن ماده جهان استدلال می کند.^۲

فیلون اسکندرانی به عنوان اولین کسی شناخته می شود که بی‌زمانی را به خداوند نسبت می دهد.^۳ پس از او فلوطین در *تاسوعات*، رساله هفتم از انثاد سوم مفصل از زمان و سرمدیت بحث می کند.^۴ وی پس از خاطر نشان ساختن اینکه سرمدیت غیر از زمان است، در تعریف این مفهوم، آن را کل حیات برمی شمارد که هیچ‌گاه سپری نمی شود و چیزی در گذشته یا آینده نیست که تمامیت آن را نابود سازد. حیات سرمدی در یک آن و لحظه، نامتناهی است.

2-6-1-1- قرون وسطی

بازار سرمدیت در قرون وسطای مسیحی بسیار گرم بوده است. مهم‌ترین تعریف از این مفهوم متعلق به بوئتیوس است که سرمدیت را «دارا بودن حیات نامحدود به صورت کامل و یک‌باره»^۵ می داند. این تعریف پس از او و به خصوص در فلسفه دین معاصر بسیار مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

آگوستین و آنسلم نیز در نوشته‌های خود از این مفهوم سخن به میان آورده‌اند. آگوستین در دو کتاب خود یعنی *اعترافات* و *شهر خدا* با دیده حیرت به مسئله زمان و سرمدیت خداوند می نگرد. پس از وی، آنسلم در فصل 24 حدیث نفس و فصل 13 *خطابه* از سرمدیت بحث می کند. بیان آنسلم از سرمدیت کاملاً مبتنی بر گفته او درباره خداوند است که او را موجودی می داند که کامل‌تر از او قابل تصور نیست.

شاید بتوان کامل‌ترین و در عین حال موشکافانه‌ترین شرح و بسط مفهوم سرمدیت را به آکویناس نسبت داد. آکویناس پرسش دهم از بخش نخست کتاب *کلیات الهیات* خویش را به بحث

¹ همان، ص 368.

² محمد سعیدی مهر، ص 85.

³ فاطمه ملاحسنی، *ازلیت خدا؛ نقد نظریه ویلیام کریگ براساس فلسفه ملاصدرا*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، 1387، ص 9.

⁴ فلوطین، *دوره آثار فلوطین*، ترجمه محمدحسن لطفی، 2 جلد، چاپ دوم، تهران، خوارزمی، 1366، جلد اول، رساله هفتم از انثاد سوم، صفحات 413-432.

⁵ "The complete possession all at once of illimitable life."

از سرمدیت خداوند اختصاص می دهد. این قسمت از کتاب شش مقاله دارد. در اولین مقاله، توماس به دفاع از تعریف بوئتیوس می پردازد. مقاله دوم را به احتجاج بر سرمدیت خداوند و پاسخ به اعتراضات اختصاص می دهد. آکویناس در مقاله سوم این ادعا که سرمدیت اولاً و بالذات متعلق به خداوند است را به کرسی اثبات می نشاند و در مقاله چهارم تصویر واضح تری از سرمدیت را نشان می دهد، چرا که وی از این مدعا جانب داری می کند که سرمدیت حقیقتی مغایر با زمان دارد:

آشکار است که زمان و سرمدیت یکسان نیستند. برخی این تفاوت را بر پایه این واقعیت استوار ساخته اند که سرمدیت نه دارای آغاز است و نه انجام، در حالی که زمان آغاز و انجام دارد. ولی این مطلب صرفاً یک تمایز عرضی و نه یک تمایز مطلق ایجاد می کند، زیرا با فرض اینکه زمان همیشه بوده است و همیشه خواهد بود باز هم، آن گونه که بوئتیوس می گوید تفاوتی میان سرمدیت و زمان باقی خواهد ماند.¹

تا قرن سیزدهم میلادی عموماً یک تلقی رایج از سرمدیت خداوند وجود داشت تا اینکه جرجه نخستین مخالفت از سوی دانس اسکوتوس زده شد. وی به رغم اعتقاد به بی زمانی خداوند، با آکویناس در چگونگی رابطه خداوند و جهان اختلاف نظر دارد. او به ویژه دو نظریه «اکنون سرمدی» و «علم بی زمان خداوند» که در فلسفه توماس بود را به چالش می کشد.² البته این نقدهای جدی اسکوتوس، پس از وی چندان مورد توجه واقع نشد.

3-6-1-1- دوران جدید

در آغاز دوران جدید، پیشرفت چندانی در مسئله سرمدیت حاصل نشد. مشهورترین فیلسوفان عقل گرا، همگی رأی به دیدگاه سنتی در باب سرمدیت دادند؛ در مقابل، تجربه باوران جاودانگی زمانی را پذیرفتند.³ مثلاً جان لاک می نویسد:

چون می توانیم تصور طول زمان را نظیر دقیقه و سال و قرن تکرار کنیم و تا هر حدی که بخواهیم آن ها را به هم بیافزاییم بدون اینکه به پایان تعداد چنین جمعی برسیم و این افزایش را

¹ Thomas Aquinas, *Summa Theologica*, Part 1, Question 10, Article 4, trans. Fathers of the English Dominican Province, New York: Benziger Bros. edition, 1947, <http://dhspriority.org/thomas/english/summa/index.html>, 06 July 2014.

² Alan G. Padgett, *God, Eternity and the Nature of Time*, London: Macmillan, 1992, p. 51.

³ Ibid, p. 52.

می توانیم ادامه دهیم با این ترتیب تصور ابدیت را اکتساب می کنیم، و آن را... به ابدیت موجود مطلق اطلاق می کنیم که همیشه بوده است.¹

این مفهوم در فلسفه دین کانت نیز چندان مورد توجه قرار نگرفت، اما پس از وی، کار و تلاش هگل جواب داد و نظام فلسفی او زمینه را برای گفت وگوهای جدید از سرمدیت خداوند ایجاد کرد. در تفکر هگل، روح مطلق (و به عبارتی خداوند) محفوف در فرایند حرکت و سیروورت است؛ بدین سان هگل به جای وجود، سیروورت را در کانون واقع قرار می دهد.² هگل، این روح را سرمدی می داند لکن بی زمان مطلق نیست؛ به این معنی که روح داخل در دیگر (یعنی آنچه غیر او و مخلوق اوست)، و در سیروورت می شود. این تأکید هگل بر جنبش روح در وجود، نهی³ و سیروورت، بسان پتکی است که بر نظریه ایستای از خداوند در الهیات سنتی فرود می آید و آن را در هم می شکند.⁴

در قرن بیستم، کارل بارت نخستین کسی است که سرمدیت خداوند را با جزئیات بسیار در کتاب *جزئیات کلیسا* مورد بررسی قرار داده است. وی تحت تأثیر فلسفه هگل، در دیدگاه خود از سرمدیت، در صدد آمیختن زمان مندی و بی زمانی برآمده است.⁵

از نفوذ اندیشه های هگل میان فیلسوفان انگلیسی، می توان به وایتهد و الهیات پویشی او مثال زد. خدای الهیات پویشی در خلال زمان سیروورت و تکامل می یابد. از نیمه دوم قرن اخیر بود که گفت وگو پیرامون این مفهوم با بحث و مناقشاتی که در صفات خداوند صورت گرفت، داغ شد و اکثر الهی دانان پیرو تفکر هگلی، نگرش سنتی به سرمدیت را که حدود 1500 سال دیدگاه غالب بود را به بوته نقد کشانده و آن را رد کردند به طوری که امروزه می بینیم مخالفان نظریه سنتی بسیار بیشتر از موافقان آن هستند.

¹ جان لاک، تحقیق در فهم بشر، تلخیص پرینگل پتیسون، ترجمه صادق رضازاده شفق، تهران، کتابفروشی دهخدا، 1349.
کتاب دوم، فصل 14، ص 115.

² Alan G. Padgett, *God, Eternity and the Nature of Time*, p. 53.

³ Negation.

⁴ Ibid.

⁵ Ibid, p. 54.

2-1- مفاهیم

1-2-1- خدا

خدا که اغلب به عنوان وجود متعالی و متعلق اصلی ایمان شناخته می‌شود، همواره امری مورد اختلاف اندیشمندان بوده است. کلماتی که در جریان‌های اصلی تفکر در باب خدا به کار می‌رود، یا از واژه یونانی theos یا معادل لاتین آن deus ساخته شده است.¹ اگر از مواضع منفی -الحاد²، ندانم‌گرایی³ و شکاکیت⁴ - که برخی در قبال این مسئله به خود گرفته‌اند بگذریم، می‌بینیم که در جبهه روبه‌رو نیز بحث و مناقشات فراوانی به چشم می‌خورد. این دسته که باور به حقیقت خداوند دارند، رویکردهای گوناگونی نسبت به این مطلب اتخاذ کرده‌اند. گروهی که خداوند را موجودی متشخص می‌دانند، طرفداران خداشناسی طبیعی⁵، خداشناسی توحیدی⁶ -ستی و شخص‌گرا- و پیروان الهیات پویشی⁷ هستند. حلقه دیگر، همه‌خداگرایی⁸ است که از عدم تشخیص خداوند صحبت می‌کند.

1-2-1-1- خداشناسی طبیعی

واژه‌ای که برای اشاره به این طیف به کار می‌رود «دئیسم» است که نخستین بار در قرن شانزدهم و درباره کسانی استفاده شد که منکر وحی و الهامات فراطبیعی بودند.⁹ برخی، دئیست‌های مشهور را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند¹⁰ که یک گروه از ایشان کسانی هستند که خداوند را تنها علت ایجاد جهان می‌دانند. او اکنون غایب است و جهان را به حال خود رها کرده است.

1-2-1-2- خداشناسی توحیدی

طیف خدا‌باور دیگر، خداشناسی توحیدی می‌باشد. این همان تلقی از خداوند است که غالب اندیشمندان ادیان ابراهیمی آن را با تغییر و تفاوت‌هایی مقبول می‌دانند. خدای ادیان توحیدی

¹ جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، 1381، ص 29.

² Atheism.

³ Agnosticism.

⁴ Skepticism.

⁵ Deism.

⁶ Theism.

⁷ Process Theology.

⁸ Pantheism.

⁹ فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، 9 جلد، چاپ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی، 1362، جلد

پنجم، ص 179.

¹⁰ همان، ص 179.

موجودی متشخص است بدین معنا که صاحب علم و آگاهی است، افعالی را انجام می‌دهد و در کارهای خویش مختار است. او می‌تواند با اشخاص غیر خودش رابطه برقرار کند.^۱ خداوند مبدأ و آفریننده ماسوای خویش است و قیوم آنها نیز هست، این‌گونه که آفریدگان در موجودیت خود، لحظه به لحظه متکی و قائم به خداوند هستند.

در خداشناسی توحیدی دو رویکرد عمده وجود دارد. نگرش نخستین که برآمده از متون دینی با نظر به مسایل فلسفی است، خداشناسی سنتی^۲ می‌باشد. در طرف مقابل، شخص‌گرایی خداشناسانه (خداشناسی شخص‌گرا)^۳ قرار دارد که بیشتر توجه خویش را به متون دینی جلب کرده و سعی در داخل نکردن مباحث فلسفی در شناخت حقیقت خداوند دارد. تلقی خاص دیگری از خدای متشخص وجود دارد که اخیراً در حلقه‌های یهودی و مسیحی شایع شده و به الهیات پویشی معروف است.

1-2-1-2-1- خداشناسی سنتی

خدای خداشناسی سنتی، نامتغیر، انفعال‌ناپذیر و متعالی از فضا-زمان ما است و علم و عشق و اراده او، غیر از آنی‌ست که ما مردمان داریم. طرفداران خداشناسی سنتی که اغلب به پیش از قرن نوزده برمی‌گردند، گرایش به نظریه خاصی از خلقت دارند و بر طبق آن، همه چیز جز خداوند، از لحاظ علّی به نحوی وابسته به خدا است؛ بنابراین تمام تاریخ فعل اوست و بدان علم دارد. خداوند یکی‌ست و همه چیز را از هیچ آفریده است. البته این معنی‌اش آن نیست که خدا روی چیزی به نام «هیچ» اثر می‌گذارد تا آن را بیافریند.

خدای خداشناسی سنتی متشخص است ولی شخص نیست، چون نوع ندارد، بر خلاف وجودات انسانی که افرادی از نوعی خاص هستند. او بسیط است و بین ذات و صفاتش تمایزی

^۱ مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چاپ هفتم، تهران، طرح نو، 1379، ص 107.

^۲ Classical Theism.

^۳ Theistic Personalism.

نیست. تمام چیزی که درباره ماهیت او می توان گفت این است که او یکتاست و در این یکتایی نیز، بی همتاست.^۱

2-2-1-2-1-2-1-2-1-2-2 خداشناسی شخص گرا

این رویکرد در قرن اخیر بسیار مورد عنایت الهی دانان مسیحی قرار گرفته است. پیروان خدای شخصی تقریباً تمام معتقدات نگاه سنتی به خداوند را رد می کنند. مدافعین این نگرش، تأکیدشان بیشتر بر رابطه «من-تو»ی و بیناشخصی است. اگر چنین رابطه ای بخواهد واقعی باشد، لاجرم باید طرفین رابطه تغییرپذیر باشند و در یکدیگر تأثیر و تأثر کنند. به اعتقاد ایشان عبادت و حیات دینی به طور کلی در بستر رابطه ای شخصی با خداوند قابل درک است.

خدای شخصی بسیط نیست، چون ویژگی های متفاوتی دارد. او یک شخص است نه شیئی صرفاً انتزاعی.^۲ سویین برن می گوید: "خداپرست کسی است که به وجود خدا اعتقاد داشته باشد و درک یکتاپرست از «خدا» چیزی است نظیر «فردی بدون جسم»."^۳ وی چنین چیزی را بنیادی ترین دعوی خداپرستی می داند.^۴

بر خلاف خداشناسی سنتی، این طیف عموماً معتقدند که تنها بخشی از تاریخ فعل خداوند است. برخی رخدادها را خدا ایجاد نکرده است، بلکه اجازه وجود آنها را صادر کرده است.^۵ بدین ترتیب از جنبه علی، خداوند به نحوی از جهان جدا است و این نگاه به فاعلیت خداوندی، در تلقی از علم مطلق او نیز تأثیرگذار خواهد بود.

¹ Anselm, *Monologion*, chap. 17, in Thomas Williams ed. and trans., *Anselm Basic Writings*, Indianapolis: Hackett Publishing Co., 2007, p. 24.

² Alvin Plantinga, *Does God Have A Nature?*, Wisconsin: Marquette University Press, 1980, p. 47.

³ Richard Swinburne, *The Coherence of Theism*, Revised Edition, Oxford: Clarendon Press, 1993, p.1.

این مدعا چندان هم غریب نیست و پیشینه آن را می توان در نوشته های جان لاک و کوجیتو و ثنویت دکارتی جست.

⁴ Ibid, p. 101.

⁵ Ibid, p. 131.

3-2-1-2-1- خدای الهیات پویشی

الهیات پویشی در تفسیر ذات خداوند و جهان، معتقد به اندیشه صیوروت و تغییر است؛ درست بر خلاف سایر مکاتب فلسفی.¹ این گونه از الهیات که بیشتر با نام وایتهد و هارتس هورن شناخته می شود، به رغم اینکه خداوند را متشخص می داند، اما اختلافات اساسی ای با دو تلقی پیشین دارد. در الهیات پویشی از خداوند به مثابه موجودی دو قطبی بحث می کنند که از ذات ازلی و ذات تبعی برخوردار است.² از یک سو خداوند موجودی مطلق، ضروری، تغییرناپذیر، نامتناهی و فرازمان است و از سوی دیگر واقعیتی ست نسبی، ممکن، تغییرپذیر، متناهی و زمان مند.³

الهیات پویشی خلق از عدم را مردود می داند و از نگاه پیروانش، بهترین وجهی که می توان رابطه خداوند با جهان را به تصویر کشید این است که بگوییم: جهان بدن خداوند است، خداوند به میانجی بدنش زندگی می کند، همان طور که ما به میانجی بدن هایمان زندگی می کنیم.⁴ این به معنای آن است که نمی توان از تمایز و تعالی قطعی خداوند نسبت به جهان سخن گفت. از دیدگاه وایتهد خداوند یگانه خالق فعلیت ها نیست، بلکه او گویی شریک العله خلق آن هاست. خداوند نمونه اصیل و برجسته از خلاقیت است ولی نه به این معنا که او مقدم بر سایر هستی ها، یگانه هستی بالفعل موجود است که وجود دارد، در حالی که هیچ چیز نبوده است.⁵

3-2-1-2- همه خداگرایی

نقطه مقابل خداشناسی توحیدی -و البته بی خدایی- همه خداگرایی است. مقصود از این واژه دقیقاً این برداشت است که خدا هر چیز است و هر چیز خداست.⁶ برهمن در آیین هندوئیسم و سایر اشکال الوهیت در همه خداگرایی، «نیروی وجودی» نامتشخص و بنیادینی است که در تمام موجودات وجود دارد.⁷ برای بسیاری از پیروان این تفکر، انکار دو مشخصه خداشناسی توحیدی،

¹ اچ. پی. آون، دیدگاهها درباره خدا، ترجمه حمید بخشنده، قم، اشراق (دانشگاه قم)، 1380، ص 175.

² رستم شاه محمدی، خداوند در اندیشه پویشی وایتهد، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1390، صفحات 68-73.

³ David A. Pailin, *Groundwork of Philosophy of Religion*, Second Impression, London: Epworth Press, 1986, p. 148.

⁴ مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، ص 109.

⁵ رستم شاه محمدی، صفحات 67-68.

⁶ اچ. پی. آون، ص 173.

⁷ مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، ص 109.

یعنی تشخیص خداوند و تمایز وجودی او از مخلوقات، عنصر اساسی نگرششان به شمار می آید.^۱ و این به خاطر وحدت و فهم ناپذیری خداوند است.

به اعتقاد ادوایتا ودانتا^۲ - که خالص ترین شکل همه خداگرایی در آیین هندو است - برهمن (مبدأ اول) واحدی مطلق و بدون اجزاء و صفات است. در او هیچ تمایزی وجود ندارد. اگر او ورای هر تمایزی است، بنابراین موصوف به هیچ صفتی - حتی تشخیص - نمی شود. او حتی به اشخاص هم مانند نیست.^۳

تأکید بر وحدانیت اله، ادوایتا ودانتا را به انکار اتصاف برهمن به علم و علیت رهنمون شده است. علم - حتی علم به نفس - تمایز میان عالم و معلوم را پیش فرض دارد. اما چرا برهمن علت فاعلی نیست؟ اگر برهمن در بالاترین مرتبه کمال باشد، باید نامحدود باشد؛ ولی اگر چیزی ورای آن وجود داشته باشد، برهمن محدود خواهد شد. لازمه این بیان عینیت برهمن با کل واقعیت است و حقیقت به منزله کل، می بایست واحدی بی اجزاء باشد، پس جهان زمانی - مکانی با همه تمایزاتش غیرواقعی خواهد بود و از آنجا که رابطه علی واقعی، میان دو امر واقعی است، برهمن نه علت جهان و نه علت رخدادهای درون آن است؛ پس او نه آفریدگار جهان است و نه فرمانروای آن.^۴

البته باید این نکته را خاطر نشان کرد که تقریباً در همه آیین ها و نگرش های همه خداگرایانه، گفته ها یا توجیه و تفسیرهایی پیدا می شود که با خدانشناسی توحیدی هماهنگی دارد.

آنچه که ما در این پژوهش بیشتر با آن سر و کار داریم، حقیقت خدا بر اساس رویکرد خدانشناسی توحیدی - دو قسم نخست آن - است که خداوند را موجودی کامل و متشخص می داند که خالق و باقی دارنده ماسوا است و دارای صفاتی چون حیات و علم و قدرت مطلق می باشد.

¹ Michael P. Levine, *Pantheism: A Non-Theistic Concept of Deity*, London: Routledge, 1994, p. 2.

² Advaita Vedanta.

³ ویلیام جی. وینرایت، فلسفه دین، ترجمه علیرضا کرمانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰، صفحات 38-39.

⁴ همان، صفحات 39-40.

خدای دو قطبی الهیات پویشی نیز به خاطر وجوه اشتراکش با دو نگرش دیگر، به نوعی داخل در بحث ما خواهد بود.

2-2-1- زمان

بحث از ماهیت زمان و گونه‌گونی مسایل مربوط به آن، همواره نقش برجسته‌ای را در فلسفه و دیگر دانش‌های بشری بازی کرده است. زمان، یگانه و فراگیرترین مؤلفه تجربه ما است و اساسی‌ترین مفهوم در نظریه‌های فیزیک شمرده می‌شود. به همین خاطر گفت‌وگو پیرامون چیستی آن یا به ملاحظه خود زمان است و یا از نقطه نظر تجربه انسانی به آن نگرسته می‌شود. به موازات این اهمیت، دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متناقضی نیز درباره آن مطرح شده است.

1-2-2-1- دشواری تعریف زمان

زمان چیست؟ اختلاف نظر اندیشمندان دانش‌های گوناگون در پاسخ به این پرسش نشان از دشواری شناخت ماهیت زمان دارد. سرخوردگی آگوستین در پاسخ به این پرسش¹ تا حد بسیاری مشترک میان همه آن‌هایی است که به این وادی درآمده‌اند. برای ما خودمان و در گفت‌وگوهای مان، زمان امری آشنا و شناخته شده است، اما اگر کسی از چیستی زمان بپرسد، در تبیین آن باز می‌مانیم. به اعتقاد برخی، درست نیست ما دنبال تحلیلی از خود زمان باشیم. پرسش‌های مربوط به زمان تنها با لحاظ نظام‌های زمانی معنا دارند؛ مانند جایی که کسی از دیگری وقت را می‌پرسد. پرسش‌های به اصطلاح عمیق‌تر درباره ماهیت زمان، بیشتر از آنکه عمیق باشند مهمل هستند.²

به آسانی می‌توان با این نتیجه هم‌دلی داشت، زیرا دشوار می‌توان تعریفی غیردوری از زمان صورت بست. آنچه مسلم است این می‌باشد که مفهوم زمان با توالی و تغییر گره خورده است. با ملاحظه دانش فیزیک در می‌یابیم که تعریف زمان تا حد زیادی به آن چیزی است که با آن اندازه‌گیری می‌شود، به عبارتی زمان چیزی است که یک ساعت نشان می‌دهد. ساعت‌ها به ویژه ساعت‌های اتمی و مولکولی - عموماً به عنوان میزان و معیاری برای تغییرات فیزیکی شناخته می‌شوند و زمان تابع آن‌ها به شمار می‌رود. حال آیا می‌توان با بهره‌گیری از نگاه فیزیک به زمان،

¹ آگوستین، *اعترافات*، ترجمه سایه میثمی، چاپ چهارم، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، 1387، ص 366.

² چارلز تالیافرو، *فلسفه دین در قرن بیستم*، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، 1382، ص 255.

تعریف فلسفی روشنی از آن به دست داد؟ زمان از منظر فیزیک در جای خودش به اندازه کافی مهم است، ولی اگر کسی خواهان تعریفی از میزان خود تغییر باشد، چه بسا نتوان بهره چندانی از آن برد. گفت‌وگوی زیر را ملاحظه کنید:

پرسش: زمان چیست؟

پاسخ: زمان میزان تغییر است.

پرسش: میزان تغییر چیست؟

پاسخ: میزان تغییر پیامد هنگامی است که چیزی در یک زمان وضعی داشته باشد که در زمان دیگر دارای همان وضع نیست.¹

این بیان، دوری است زیرا در اینجا سؤال از معیار تغییر، ما را دوباره به پرسش از زمان رهنمون ساخت. براساس توضیح بالا تغییر عبارت شد از وضعیت متفاوت یک چیز در دو زمان، در حالی که خود زمان نیز به تغییر تعریف شد.

بدین ترتیب دشوار بتوان تعریفی از زمان ارائه کرد که صرفاً مستند به جهان فیزیکی بوده، با این وجود، دوری هم نباشد. پس به ناچار ما باید تجربه خویش از تغییر زمانی را در شناخت ماهیت زمان به کار ببندیم. تغییر زمانی امری مأنوس برای ما است. این را می‌توان در تعابیرمان درباره زمان -قبلیت و بعدیت و معیت، گذشته و حال و آینده- مشاهده کرد.

2-2-1- مک‌تاگارت و ماهیت زمان

هر چند تبیین‌های گوناگونی درباره زمان از سوی متفکران مختلف مطرح شده است، لکن تعریفی که امروزه محط بحث و نظر اندیشمندان واقع شده، نظریه مجموعه‌های A و B می‌باشد که در قرن بیستم از سوی مک‌تاگارت، فیلسوف انگلیسی مطرح شده و مقبولیت یافته است. پس از ارائه این نقطه‌نظر، بحث و گفت‌وگویی جدی میان فیلسوفان و متألهین مطرح شد که تجارب زمانی ما، در زمره کدام یک از دو مجموعه A یا B قرار می‌گیرد. گستره این بحث دامان سرمدیت خداوند

¹ همان، ص 256.

² لازم به ذکر است که این مجموعه‌ها با نام‌های دیگری نیز خوانده می‌شوند که در خلال مباحث آینده بدان‌ها اشاره می‌شود.

و رابطه خداوند و زمان را نیز گرفت، تا جایی که می توان گفت تعریف مک تاگارت نقشی اساسی در تمام نظریات ارائه شده در این باره، ایفا می کند.

به اعتقاد مک تاگارت موقعیت های درون زمان به دو گونه از یکدیگر قابل تمایز هستند:

1. هر موقعیتی یا گذشته است یا حال و یا آینده؛ مثلاً سال 1392 گذشته، سال 1393 حال و سال 1394 آینده می باشد. او این ها را تمایزات A می نامد.

2. هر موقعیتی یا «پیش از» موقعیت دیگر است، یا «پس از» آن؛ مثلاً سال 1392 پیش از سال 1393 و پس از سال 1391 است. وی این تمایز به قبلیت و بعدیت را تمایزات B می نامد.

مک تاگارت می گوید که موقعیت زمانی همان «آن» و «لحظه» است و مفاد آن «رخداد» نامیده می شود. براساس این دو گونه تمایز، موقعیت های زمانی و رخدادها را می توان در دو مجموعه تصویر کرد:

1. «مجموعه A»: مجموعه زمانی که رخدادهای درون آن مطابق تمایزات A (گذشته، حال و آینده) تنسيق یافته اند.

2. «مجموعه B»: مجموعه زمانی که در آن، رخدادها براساس تمایزات B (قبلیت و بعدیت) منظم شده اند.¹

در اینکه کدام یک از این مجموعه ها واقعی و قابل انطباق بر رخدادها هستند، اختلاف شده است.² به باور مک تاگارت هیچ کدام از این مجموعه ها واقعی نیستند. مجموعه B همه آنچه را که برای زمان ضروری است، یعنی تغییر- به ما نمی دهد و مجموعه A خود متناقض است، چرا که یک رویداد را می توان به هر سه وضعیت گذشته، حال و آینده، نسبت داد.³

¹ John McTaggart, *The Nature of Existence II*, ed. C. D. Broad, London: Cambridge University Press, 1927, pp. 9-10; John McTaggart, *The Unreality of Time*, Mind New Series, Vol. 17, No. 68, Oct. 1908, p. 458.

² برای مشاهده بحثی مختصر در این باره رجوع کنید به: چارلز تالیافرو، صفحات 257-263.

³ J. C. C. Smart, "Time", in Paul Edwards ed., *The Encyclopedia of Philosophy*, 8 Volumes, New York: Macmillan Publishing Co., 1967, Vol. 8, p. 128.

1-2-2-2-1- مجموعه A

ویژگی های مجموعه A عبارت اند از:

1. روابط مجموعه A را می توان براساس مجموعه B بیان کرد؛ اما در مقابل آنچه در مجموعه B جای دارد قابل تحویل به مجموعه A نمی باشد.
2. «صیروت زمانی»¹ ذاتی همه رخدادها است.
3. تفاوت اساسی بین گذشته، حال و آینده وجود دارد و به تعبیری، ویژگی های مجموعه A عینیت دارند.
4. تغییر لازمه مجموعه A است.²

جایمندی رویدادها در مجموعه A، آن ها را هویتی می بخشد که بدون آن نمی توانند بخشی از جهان قلمداد شوند. تصور کنید شخصی بگوید: «این خانه، بعد از این نطق من، در آتش می سوزد». تفسیر این جمله براساس روابط مجموعه B باعث می شود کسی نفهمد که چه موقع باید عکس العمل مناسبی را نشان دهد.³ این به خاطر ویژگی متافیزیکی خاص بیان هایی است که مطابق با مجموعه A اظهار می شوند که غیر آن ها، چنین خصیصه ای را ندارند.

زمان در مجموعه A جنبه پویا و بی قرار وجود است. زمان می گذرد و اشیاء در جریان آن تغییر می کنند. زمان های گرامری، که در زبان روزمره استفاده می شود-مانند بود، هست و خواهد بود- مطابق های عینی و هستی شناختی دارند. در واقع ساختار گرامر زبان درباره رویدادهای زمان مند، بازتاب ساختار زمان است.⁴ می توان گفت احساس بسیاری از ما این است که زمان را این گونه تجربه می کنیم.

¹ temporal becoming، صیروت زمانی به معنای «تغییر زمان» است و مراد از آن این است که وجود هر چیزی، لحظه ای است، یعنی نه در لحظه قبل بوده است و نه در لحظه بعد خواهد بود. یا به تعبیر دیگر وجود هر چیزی از آینده می آید، در زمان حال قرار می گیرد و به گذشته می پیوندد.

² فاطمه ملاحسنی، صفحات 14-15؛ البته نویسنده در بیان ویژگی نخست، سهواً دچار اشتباه شده است. وی می گوید: «روابط سلسله B را می توان براساس سلسله A ارائه داد». در مورد ویژگی سوم هم به نظر می رسد ایشان دچار اشتباه -در نقل یا در تحلیل- شده است، چرا که در مجموعه A ظاهراً عینیت تام تنها از آن زمان حال باشد.

³ Cheryl E. Fitzgerald, *A Brief History of the A-Theory/B-Theory Debate about Time*, <http://www.cefitzgerald.com/papers/historyA-B.html>, 06 July 2014.

⁴ Conrad Robinson, *The Coherence of Tenses*,

در مجموعه A، موقعیت‌های گذشته، حال و آینده کاملاً متمایز از یکدیگر هستند و هر رویدادی فقط متصف به یکی از این‌ها می‌شود. واقعیت تام تنها از آن زمان حال می‌باشد. گذشته، گذشته است و آینده، خواهد آمد. لذا هر موقعیتی که در این صیوروت و گذران زمان از آینده به گذشته، اکنون می‌شود، عینیت می‌یابد.

2-2-2-1- مجموعه B

سه مشخصه اصلی این مجموعه بدین قرار هستند:

1. اگر بیانی مشتمل بر روابط مجموعه A باشد می‌توان آن را به نحوی به زبان آورد که با مجموعه B سازگار شود، لکن عکس آن ممکن نیست.
2. «صیوروت زمانی» امری ذهنی یا روان‌شناسانه است.
3. روابط مجموعه B عینی است و همه رخدادها به یک اندازه واقعیت دارند.¹

ویژگی نخست این را می‌رساند که همه رخدادها را می‌توان در مجموعه B جای داد و نسبت‌های قبلیت، معیت² و بعدیت را میان آن‌ها جاری ساخت؛ مثلاً «امروز چهارشنبه است» قابل تحویل به «بیست و چهارم اردیبهشت سال 1393 هجری، چهارشنبه است» می‌باشد. بنابراین دیگر نیازی به استفاده از زمان‌های گرامری همچون رفت و می‌رود و خواهد رفت، الفاظ مرجع‌پذیر³ مانند دیروز و امروز و فردا یا اوصاف گذشته و حال و آینده نیست.

وقتی «صیوروت زمانی» ذاتی رویدادها نباشد، گذشته و حال و آینده خواندن آن‌ها عینیت ندارد، بنابراین صرفاً به فاعل شناسا نسبت داده می‌شوند؛ یعنی اموری روان‌شناسانه و پدیدارهایی ذهنی هستند که تنها نسبت به شخص معنا پیدا می‌کنند.⁴

براساس مجموعه B، زمان ایستا و ثابت است و برخلاف آنچه می‌بینیم، زمان هیچ گذار یا جریانی ندارد. در این معنا، تفسیر زمان به شیوه‌ای مکانی‌شده، امتداد یافته‌تر و کمتر وجودی است.

<http://people.wku.edu/jan.garrett/kpa/robitime.htm>, 06 July 2014.

¹ فاطمه ملاحسنی، ص 14.

² هر چند مک‌تاگارت به این نسبت اشاره‌ای نکرده است، ولی می‌توان این نسبت را نیز به روابط مجموعه B اضافه کرد.

³ indexicals.

⁴ همان، ص 15.

ساده‌ترین و سراسرترین نحوه تعبیر از این جمله این است که بگوییم سرمدیت خداوند صرفاً به این معناست که *خداوند همواره وجود داشته و همواره وجود خواهد داشت*. در این صورت خداوند مانند سایر اشخاص و اعیان، در طول زمان وجود دارد، اما بر خلاف دیگران، وجودش آغاز و انجामी ندارد. به بیان دیگر خداوند در *زمان جاویدان* است.¹ خدای زمان‌مند، وجود و افعالش همچون موجودهای انسانی دارای موقعیت زمانی خاصی خواهد بود. خداوند در لحظاتی که گذشته است وجود داشته است، در لحظه کنونی وجود دارد، و در لحظات زمانی که خواهد آمد، وجود خواهد داشت. پاسخ او همواره متأخر از درخواست و تضرع بندگانش می‌باشد.

برخی فیلسوفان و متألهان تحت تأثیر فلسفه افلاطونی، این تعبیر از سرمدیت خداوند را نارسا دانسته‌اند. به اعتقاد آنها خداوند *فارغ از زمان و کاملاً خارج از زمان* است. ادعای بی‌زمان بودن خداوند مستلزم دو قول است:²

1. خداوند دارای امتداد زمانی نیست؛ یعنی او مدت ندارد؛ همان‌طور که آگوستین می‌گوید:

سال‌های تو نه می‌روند و نه می‌آیند، اما سال‌های ما در می‌گذرند و سال‌های دیگر در پی آنها روان می‌شوند تا همه آنها به نوبت ظاهر گردند... امروز تو جای خود را به هیچ فردایی نمی‌دهد و نیز جای هیچ دیروزی را نمی‌گیرد. امروز تو ابدیت [سرمدیت] است.³

2. خداوند محل زمانی ندارد؛ یعنی «قبل» و «بعد»ی برای او وجود ندارد؛ آنسلم می‌گوید:

چیزی از سرمدیت تو در گذشته نبود به طوری که الان دیگر وجود نداشته باشد؛ در آینده نیز نیست چنان‌که گویی که قبلاً وجود نداشت... دیروز، امروز و فردا، تو هستی [نه اینکه بودی یا خواهی بود]. در حقیقت، حتی چنین نیست که تو دیروز، امروز و فردا هستی، بلکه تو در معنایی نامشروط بالکل خارج از زمانی.⁴

¹ مایکل پترسون و دیگران، *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*، ص 121.

² برایان دیویس، *درآمدی بر فلسفه دین (ویراست دوم)*، ترجمه ملیحه صابری نجف آبادی، چاپ دوم، تهران، سمت، 1386، ص 191.

³ آگوستین، ص 365.

⁴ Anselm, *Proslogion*, Chap. 19, in Thomas Williams ed. and trans., *Anselm Basic Writings*, p. 92.

خداوند جهان را مانند ما اشخاص متناهی، لحظه به لحظه تجربه نمی‌کند، بلکه او کل تاریخ جهان را یک‌باره و در یک اکنون کاملاً هم‌زمان تجربه می‌کند. آن‌ها مدعی‌اند که برای خداوند گذشته و حال و آینده وجود ندارد؛ خداوند صرفاً هست. و تمام زمان‌ها، در آن واحد و به نحوی تغییرناپذیر در حضور سرمدی وی حاضر است.¹

تعبیر نخست به خاطر زودیاب‌تر بودن و سازگاری‌اش با کتاب مقدس امروزه موافقان بیشتری دارد. موافقان سرمدیت زمانی خداوند، بی‌زمانی او را مفهومی منطقی نامنسجم و در تضاد با برخی اصول مسلم الهیاتی برمی‌شمارند و معتقدند که ادعای فرازمان بودن خداوند از کتاب مقدس برداشت نمی‌شود، بلکه چیزی است که از فلسفه یونان باستان وارد الهیات مسیحی شده است.

در فصل بعدی، ما بحث خود را از سرمدیت فرازمان شروع کرده و به پیش می‌بریم، گرچه می‌توانستیم از زمان‌مندی خداوند شروع کنیم، چرا که تقریرهای جدید از فرازمان بودن خداوند عموماً با در نظر گرفتن اشکالاتی است که در قرن اخیر بر نظریه سنتی وارد شده است. با این حال، ترجیح می‌دهیم بحث را از بی‌زمان بودن خداوند شروع کنیم زیرا ملاحظه سیر تاریخی موضوع از یک طرف، و ادله فیلسوفان امروزی بر فرازمان بودن خداوند با مفاد تقریباً همان‌ها که پیشینیان گفته‌اند از دیگر سو، ما را مجاب می‌کند ابتدا به تقریرهای طرفداران دیدگاه سنتی بپردازیم. سپس با شرح نظریه زمان‌مندی خداوند که در واقع اعتراضی است به دیدگاه سنتی و بعد از آن، با بیان دیدگاه‌های جامع میان دو دیدگاه بالا، بحث را پایان می‌دهیم.

نکته دیگر اینکه گفت‌وگو و مناقشات جدی به نحو منسجم پیرامون سرمدیت خداوند از مقاله سرمدیت النور استامپ و نورمن کرتزمن آغاز شد. این دو نفر با دفاع از فرازمان بودن خداوند، تقریر خود را در قالب «سرمدیت استمراری» مطرح کردند. این خود نیز می‌تواند دلیلی بر تقدم این دیدگاه بر سایر نگرش‌ها باشد.

ما فصل پایانی این نوشتار را به بیان اندیشه فیلسوفان مسلمان درباره چیستی زمان و حقیقت سرمدیت خداوند اختصاص می‌دهیم و پس از مقایسه‌ای کوتاه میان ماهیت زمان از منظر فلسفه

¹ مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، ص 121.

اسلامی و فلسفه معاصر غربی، به ارزیابی دیدگاه‌های متفکرین غربی قرن اخیر خواهیم پرداخت و براساس حکمت اسلامی آن‌ها را نقد خواهیم کرد. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی از تمام مباحث خواهیم داشت، إن شاء الله.